

ایران: رویارویی فرهنگی خامنه ای و روحانی

اکبر گنجی

منتشر شده در نشنال اینترست 16 جون 2014

ساختار سیاسی، قلمرو منابع کمیاب قدرت، ثروت، معرفت و منزلت اجتماعی است. سیاستمداران و گروه های سیاسی بر سر این منابع در حال جنگ اند. در نظام های دموکراتیک اگر چه تبعیض وجود دارد، اما تا حدود زیادی نزاع ها به روش های دموکراتیک حل و فصل می شوند. اما جنگ بر سر تصاحب این منابع کمیاب در نظام های غیر دموکراتیک، به شدت رانتهی بوده و افراد گسترده ای را در بر نمی گیرد.

ساختار جمهوری اسلامی از ابتدا همراه با جنگ بر سر منابع کمیاب قدرت، ثروت، معرفت و منزلت اجتماعی بوده است. ریاست جمهوری حسن روحانی در بدترین وضعیت اقتصادی دوران رهبری آیت الله خامنه ای آغاز شد. رکود اقتصادی و تحریم های اقتصادی که به گفته جک لو، وزیر خزانه داری آمریکا، در ۱۱ تیر ۹۲، "تحریم های علیه ایران، سخت ترین تحریم های تاریخ است"، منابع دولت را به شدت کاهش داده و روحانی مجبور شده تا نه تنها بودجه کلیه نهادها را کاهش دهد، بلکه تا حدی که امکان دارد جلوی رانت خواری گسترده سپاه و دیگران را بگیرد.

فرماندهان سپاه اگرچه به صراحت از عدم واگذاری پروژه های بزرگ اقتصادی به سپاه و بسیج انتقاد کرده اند، اما حسن روحانی آنان را به "سهم خواهی" متهم کرده است. سپاه پاسخ داد که روحانی با این اتهام به دنبال تبدیل سپاه به "یک نیروی مسلح غیر انقلابی و محافظه کار" است.

خامنه ای و محافظه کاران از تغییرات سیاسی و فرهنگی دوران روحانی به شدت ناراحتند. به همین دلیل، قلمرو فرهنگ را به مهمترین محل نزاع علیه دولت روحانی تبدیل کرده اند. آنان مدعی اند که روحانی غرب زده، به دنبال اسلام زدایی و آلوده کردن فرهنگ پاک جمهوری اسلامی به فرهنگ آلوده است. برای تأیید این مدعا به موارد زیر بنگرید:

اول: تشکیل قرارگاه فرماندهی فرهنگی

خامنه ای در 92/9/19 در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ضمن تأکید بر وظیفه نظارتی و هدایتی دولت در قلمرو فرهنگ در "مقابله با مسائل مخرب فرهنگی"، هدایت و نظارت در مسائل فرهنگی را "همچون مراقبت باغبان از گلهای زیبا" به شمار آورد و گفت: "کندن علف های هرز در یک بوستان به معنای رشد گل ها و استفاده طبیعی آنها از آب و نور و هواست." خامنه ای در همین سخنرانی ضمن تعریض به دولت، از تشکیل قرارگاه فرماندهی فرهنگی برای جنگ فرهنگی دفاع کرد. حسن روحانی در 92/10/18 در جمع هنرمندان این گونه به او پاسخ گفت:

"تقسیم هنرمندان به هنرمندان ارزشی و غیر ارزشی بی‌معناست... هنر بدون آزادی معنا ندارد و خلاقیت تنها در سایه حریت امکان‌پذیر است... هنر و آزادی رابطه مستقیم دارند. در غیر فضای آزاد، هنر واقعی خلق نخواهد شد. در بخش هنر نمی‌توانیم با دستور هنر را بیافرینیم و خلق کنیم. هر گونه فضای امنیتی می‌تواند جوانه هنر را بخشکاند، به تعبیر اقبال، **گفت هرگاه خشک مغزی کوتاه نظر زمام امور را در دست گرفت، هنر مجال بروز نیافت**... این دولت قصد ندارد ممیزی را در فرهنگ و هنر به صورت راه و مسیری که مانع کار هنرمندان باشد، ادامه دهد... اگر می‌خواهیم کار ممیزی را انجام دهیم، باید گروهی از فرهیختگان، اندیشمندان، هنرمندان، عالمان، حتی عالمان دینی در کنار یکدیگر بنشینند و آنها باشند که بر هنر نظارت کنند، هنرمند، می‌تواند بر هنر نظارت کند، کارمند دولتی، نمی‌تواند ناظر خوبی برای هنر باشد. چرا نظارت بر سینما و کتاب و موسیقی را به اهلس و اگزار نکنیم، چه اشکال دارد که انجمن‌های صنفی بخشی از بار مسئولیت وزارت ارشاد را بر دوش گیرند... دولت کتاب نمی‌نویسد، فیلم نمی‌سازد، موزیک نمی‌سازد، شعر نمی‌سراید. دولت باید تسهیل‌کننده راه برای اصحاب فکر و هنر باشد. یادمان باشد و همه بدانیم هنر خطر نیست و هنرمند امنیت کشور را به مخاطره نمی‌اندازد. به هنر و هنرمند اعتماد کنیم، نگاه امنیتی به هنر بزرگترین اشتباه امنیتی است... ما اگر به هنر و هنرمند با نگاه امنیتی نگاه کردیم، اولاً تهدیدات اصلی را فراموش کردیم، ثانیاً هنرمندی را که می‌تواند ما را متوجه تهدیدات واقعی کند، از وظیفه‌اش باز داشته‌ایم".

دوم: نگرانی فرهنگی رهبری

اعضای مجلس خبرگان رهبری در 92/12/15 به دیدار آیت الله خامنه‌ای رفتند. آنان در سخنانشان از وضعیت فرهنگی به وجود آمده انتقاد کرده و نگرانی خود را با وی در میان نهادند. خامنه‌ای ضمن تأیید مدعیات آنان **گفت** :

"یک مسئله هم مسئله فرهنگی است؛ که آقایان هم حالا معلوم شد که نگرانی دارید، بنده هم نگرانم... ما حتماً در مسئله فرهنگی [باید توجه کنیم]، دولت محترم هم باید توجه کند، دیگران هم توجه کنند. بنده هم در این نگرانی با شما سهیم هستم و امیدوارم که مسئولین فرهنگی توجه داشته باشند که چه می‌کنند. با مسائل فرهنگی شوخی نمی‌شود کرد، بی‌ملاحظگی نمی‌شود کرد؛ اگر چنانچه یک رخنه‌ی فرهنگی به‌وجود آمد، مثل رخنه‌های اقتصادی نیست که بشود [آن را] جمع کرد، پول جمع کرد یا سبد کالا داد یا یارانه‌ی نقدی داد؛ این‌جوری نیست، به این آسانی دیگر قابل ترمیم نخواهد بود، مشکلات زیادی دارد".

حسن روحانی در 92/12/17 **در اختتامیه بیستمین جشنواره مطبوعات به او پاسخ گفت**:

"بی‌تردید، اگر در جامعه‌ای دهان‌ها بسته و قلم‌ها شکسته شود، اعتماد عمومی در آن جامعه از بین خواهد رفت و چشم‌ها و گوش‌ها به سمت امکانات ارتباطاتی بیگانگان قرار خواهد گرفت. بگذاریم میدان قلم و میدان بیان، میدانی باز باشد تا حقایق برای مردم و جامعه تبیین شود... اگر قرار بود با فشارها و شیوه‌های پلیسی مسئله فرهنگی حل شود که امروز نباید بعد از گذشت این سال‌ها باز هم نگران فرهنگ جامعه‌مان باشیم... دولت یکی از وظایف خود را ایجاد تعادل و توازن می‌داند. دولت از ابتدا معتقد بوده و امروز هم معتقد است که فرهنگ باید به اصحاب فرهنگ واگذار شود؛ یعنی به اندیشمندان، صاحب‌نظران،

انجمن‌های تخصصی و حرفه‌ای با قانون شفاف و آگذار شود... بزرگترین قدرتی که باید به صحنه بیاید و با فساد بجنگد رسانه‌ها هستند. رسانه‌ها باید به صحنه بیایند. نام افراد مفسد و ویژه‌خوار نباید در جیب رییس دستگاه اجرایی کشور باشد. باید نام افراد مفسد و ویژه‌خوار بر سر زبان و بیان خبرنگاران ما قرار بگیرد؛ اگر مطبوعات و رسانه‌ها همه به صحنه بیایند، نه این که با مفسد مبارزه کرد، می‌شود جلو فساد را گرفت. باید هزینه‌ها را آنقدر بالا ببرید که کسی در مسیر فساد قرار نگیرد و هوس فساد به سر او نزند و این راهش حضور فعال شماست".

سوم: به رخ کشیدن نقاط ضعف فرهنگی

15 روز بعد، خامنه‌ای در مهمترین نطق سالانه اش در 93/1/1، [فرمان حمله فرهنگی به دولت را صادر کرد](#). او ضمن مقایسه فرهنگ با هوا، از فرهنگ/هوای کثیف و فرهنگ/هوای سالم سخن گفت و مدعی شد که دشمن برای نابودی، بر فرهنگ- یعنی "هدف قرار دادن ایمان و باورهای مردم"- متمرکز شده است. به همین دلیل، "مسئولان فرهنگی، باید مراقب رخنه فرهنگی باشند؛ رخنه‌های فرهنگی بسیار خطرناک است؛ باید حساس باشند، باید هشیار باشند." سپس افزود:

"مراجع فرهنگی (علماء، اساتید، روشنفکران انقلابی، هنرمندان متعهد)، اینها نگاه نقادانه خودشان را نسبت به اوضاع فرهنگی کشور همچنان داشته باشند و تذکر بدهند... اعتقاد من این است که مجموعه انقلابی کشور می‌تواند با منطق محکم وارد میدان بشوند، نقادی کنند. نقاط ضعف را و نقاط منفی را به رخ ما مسئولان بکشانند. گاهی می‌شود که مسئول، متوجه نیست چه دارد می‌گذرد در متن جامعه، اما آن جوان در متن جامعه است، او می‌فهمد؛ آن عزم ملی و مدیریت جهادی که عرض کردیم در زمینه فرهنگ، این است."

پس از این سخنرانی، حملات بی‌امان محافظه کاران، برخی از مراجع تقلید و گروهی از فرماندهان سپاه و بسیج به دولت آغاز شد.

چهارم: برابری حقوقی زنان و مردان

خامنه‌ای در 93/1/30 به مناسبت روز زن، گزارشی از پیشرفت های زنان در جمهوری اسلامی ارائه کرد و ضمن رد تقلید زنان ایرانی از زنان غربی و پذیرش مرجعیت الگوهای غربیان که زنان را به وسیله تأمین نیازهای جنسی تقلیل داده اند، گوشزد کرد که "برابری جنسی" مورد نظر غربیان در حوزه اشتغال و مدیریت و... نادرست بوده و باید "ذهنمان را به کلی از این حرف ها تخلیه کنیم". باید عدالت میان دو جنس رعایت شود، اما عدالت به معنای برابری در همه زمینه ها نیست.

درست یک روز بعد، حسن روحانی در 93/1/31 به مناسبت روز زن- گفت: "[زنان باید دارای فرصت برابر، مصونیت برابر و حقوق اجتماعی برابر باشند](#)".

روحانی در روز جهانی کارگر هم [گفت](#):

"من در دنیای کار و تلاش و تولید **تبعیض جنسیتی** را نمی‌پذیرم. زنان و مردان ما در صحنه کار و تلاش و فعالیت برابر باید از امتیاز و حقوق برابر برخوردار باشند".

پنجم : کتاب

خامنه ای همیشه خواستار نظارت و کنترل دقیق دولت و دیگر نهادها بر نشر کتاب بوده است. او سانسور "عکس های مستهجن جنسی" را یکی از مصادیق "**ممیزی واجب**" به شمار می آورد. اما روحانی خواستار عدم دخالت نظام سیاسی در این امر بوده و می گوید که نویسندگان و خوانندگان خود بهترین قاضی در این زمینه اند. روحانی در 93/2/9 در مراسم افتتاح نمایشگاه بین المللی کتاب تهران **گفت** :

"باید زمینه را برای نوشتن آسان و بدون دغدغه کتاب فراهم کنیم و بگذاریم آنچه در دل و اندیشه وجود دارد بر روی صفحه کاغذ خود نمایی کند. دولت در پی سانسور دولتی نبوده و نقد را متعلق به همه گروه‌ها می‌داند... ما باید زمینه را برای فعالیت متولیان فرهنگ آماده کرده و مشکلات را از پیش پای نشر کتاب برداشته و فضا را برای همه کسانی که در این راستا تلاش می‌کنند آماده کنیم. **بهترین ممیزان کتاب وجدان و افکار عمومی جامعه هستند**".

خامنه ای آن قدر ناراحت بود که بازدید همه ساله اش از نمایشگاه بین المللی کتاب تهران را در سال جاری- به بهانه تراکم کارها- لغو کند. با این همه او در مورد کتاب شکست خورده است (رجوع شود به مقاله های "**سانسور و قتل فرهنگی**" و "**لیبرالیسم و فمینیسم در ایران**").

ششم: علوم انسانی

خامنه ای همیشه منتقد متدولوژی ماتریالیستیک علوم انسانی و اجتماعی مدرن بوده است. او گفته است که این متدولوژی محصول نگاهی مادی به عالم است که خدا و روح و فرشتگان را از آن حذف کرده و فقط به دنبال تبیینی مادی از رخدادهای جوامع بشری اند. مدعای او به زبان فنی، همان مدعای ماکس وبر است که علم جدید عالم را اسطوره زدایی/افسون زدایی (Disenchantment) کرده است. او بر این باور است که علوم انسانی اسلامی توحیدی است و اسلامی کردن دانشگاه، شامل بازگردان نگرش الهی به علوم انسانی هم می شود (به عنوان نمونه به لینک های [1](#) و [2](#) و [3](#) و [4](#) و [5](#) و [6](#) رجوع شود).

حسن روحانی دیدگاه متعارض خود را در 93/2/14 به این شکل بیان کرد:

"باید دقت کنیم در بحث اسلامی شدن علوم انسانی ضمن حفظ اصول اعتقادی و ملی راه را اشتباه نرویم. پایه ها و مبانی علم، در هر دانشی یکسان است. پایه های علم جهانی است. جغرافیا نمی شناسد. بخش دیگر نیز مُتد است. مثل متد تحقیق و پژوهش. این نیز مرز ندارد. یکسری اهداف وجود دارد و برای هر کشوری این اهداف متفاوت است. در این قسمت ما اگر بخواهیم علم را کاربردی کنیم باید به بومی سازی آن روی بیاوریم. در این جا نیز باید ببینیم که بهترین راه حل کدام است و موانع پیش رو چیست".

حجت الاسلام رضا غلامی- رئیس شورای سیاست گذاری کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی- در نقد نظر روحانی **گفت**: "ایشان ظاهراً با نظریه های رایج فلسفه علم و نقش کلیدی جهانی بینی و باورهای بنیادین در شکل گیری مبانی و متدلوژی علوم انسانی و اجتماعی آشنایی چندانی ندارند."

اولاً: او که فقه خوانده ای بیش نیست، گمان می کند که فیلسوف علم است. ثانیاً: فیلسوفان علم ، "علوم انسانی و اجتماعی" را هم علوم تجربی به شمار آورده و می گویند که پس از ابداع تئوری یا نظریه، تجربه داور صدق و کذب نظریه ها است، نه دین. به همین دلیل، دینی کردن علوم انسانی و اجتماعی سوادى تحقق نیافتنى است(رجوع شود به مقاله "[فرجام اسلامی کردن علوم انسانی](#)").

هفتم: اینترنت و ماهواره

آیت الله خامنه ای در 90/12/17 طی حکمی "[شورای عالی فضای مجازی](#)" را با عضویت اعضای حقوقی(سران سه قوه، فرمانده کل سپاه، فرمانده نیروی انتظامی، رئیس صدا و سیما، چند تن از وزرا، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس) و اعضای حقیقی به ریاست رئیس جمهور تشکیل داد و گوشزد کرد که مصوبات این شورا حکم قانون را دارد. وظایف اساسی این شورا در پیوست آن حکم بوده و هیچ گاه انتشار نیافته است. سیاست های محدود ساز(از جمله جمع آوری ماهواره ها از منازل، فیلتر کردن اینترنت، ارسال پرازیت و...) همیشه مورد تأیید او بوده است.

خامنه ای در اولین دیدار با کابینه روحانی در 92/6/6 به آنان گوشزد کرد که قانون گرایی شامل رعایت مصوبات "شورای عالی فضای مجازی" هم می شود. **می گوید**: "من دیروز پریروز بود با آقای دکتر روحانی راجع به آن مختصراً صحبت کردم، بیشتر از این هم صحبت خواهیم کرد، شورای عالی مجازی - که ما در همین اتاق شاید چهار جلسهای سه چهار ساعته با حضور رؤسای سه قوه، و مجموعه ای از قوا نشستیم و این شورا تشکیل شده و بسیار مسئلهی مهمی است - مصوباتی دارد، این مصوبات را بایستی معتبر بدانند و بر طبق این مصوبات باید عمل بشود".

حسن روحانی به عنوان رئیس این شورا در 93/2/27 دقیقاً مواضعی معکوس خامنه ای ایراد کرد و **گفت** که جهان به سمت دهکده جهانی در حال حرکت است و با دنیای سایبری "دوران پیام های یک طرفه به سر آمده و کم کم به جایی می رسیم که جایگاهی برای استبداد پیام وجود نداشته و پیام ها از طریق تریبون های یک طرفه اعلام نمی شود". تکنولوژی ارتباطی و شبکه های مجازی خطری برای اسلام، انقلاب و جوانان نیستند. تنها خط قرمز، حفظ امنیت و اسرار ملی است. اما ما "حق ارتباط با شبکه اطلاعات جهانی را به عنوان یک حق شهروندی در کشور به رسمیت می شناسیم". سپس در کلامی که مخاطب اصلی اش جز آیت الله خامنه ای نمی توانست باشد، گفت: "زبیده نیست که در سال فرهنگ، سپر به دست داشته باشیم و منفعلانه با فناوری برخورد کنیم. اگر تهاجم فرهنگی وجود دارد، که دارد، با شمشیر چوبی نمی توان به مقابله با آن رفت بلکه باید جسورانه و فعالانه با ابزار مدرن رویارو شویم". در این مورد هم از واگذاری امور به بخش خصوصی دفاع کرد.

هشتم: الگوی توسعه ایرانی/اسلامی یا توسعه غربی؟

آیت الله خامنه ای مخالف الگوی توسعه غربی است. به همین دلیل در 90/3/2 طی حکمی نهادی به نام "مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت" تأسیس کرد. آنها تاکنون چند نشست در حضور آیت الله خامنه ای برگزار کرده اند. اولی در 89/9/10 تحت عنوان "الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت". دومی در 90/2/27 تحت عنوان "عدالت". سومی در 90/10/14 تحت عنوان "زن و خانواده". در اولین نشست خامنه ای گوشزد کرد که آگاهانه مفهوم "پیشرفت" را به جای مفهوم "توسعه" انتخاب کرده است تا نشان دهد که به تمامی لوازم این اصطلاح جا افتاده جهانی ملتزم نیست. این الگو ایرانی است، چون متفکران ایرانی آن را می سازند و متناسب با شرایط خاص ایران خواهد بود. اسلامی بودن این الگو نیز به معنای آن است که ارزش ها و اهداف اش تابع ارزش ها و اهداف اسلام خواهد بود. این الگو اگر برساخته شود، "نقشه جامع" پیشرفت بلند مدت کشور خواهد بود که تمامی ارکان رژیم باید بدان پایبند باشند. از دستاوردهای دیگران استفاده خواهیم کرد، اما مقلد آنها نخواهیم بود. الگوهای غربی تماماً سکولار و مادی گرایانه و تبعیض آمیزاند، اما الگوی ما باید معنوی و آخرت گرا و عادلانه باشد.

در 91/12/14 اعضای شورای عالی مرکز طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با آیت الله خامنه ای دیدار کردند. خامنه ای به آنها گفت: "با توجه به تحت تأثیر بودن دنیای امروز از الگوی تمدن و پیشرفت غرب، و تسلط تمدن غربی بر همه عرصه های زندگی، در چنین شرایطی، طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت نیازمند جرأت، شجاعت و انگیزه ی بسیار قوی است". مجدداً به نقد الگوی توسعه غربی پرداخت و گفت: "تمدن غربی بر پایه ی تفکر اومانیزم و نگاه به قدرت سیاسی و سپس نگاه سرمایه محور، شکل گرفته است و بعد از دوران اوج خود، اکنون نشانه های تباهی و انحطاط آن نمایان شده که مهم ترین آن، انحطاط جنسی و رواج بی بند و باری های اخلاقی و جنسی است". فرایند توسعه غرب مملو از جنگ های ویران کننده بوده و دلیل اصلی انحطاط غرب، فقدان معنویت است.

کوشش های چند ساله خامنه ای در این زمینه هیچ دستاوردی جز شعارهای نامفهوم و رجزخوانی و مشکلات عملی فراوان نداشته است.

حسن روحانی که از نزدیک شاهد این واقعیت ها بوده، در 93/2/28 در دیدار با هنرمندان و محققان برجسته کشور گفت که کشورهای توسعه یافته از طریق علم و دانشمندان و هنرمندان پیشرفت کرده اند، اما در ایران نخبگان- یا سرمایه های ملی- با انگ های قومی، مذهبی، سیاسی، اخلاقی و... حذف، منزوی و یا به جریان فرار مغزها می پیوندند. سپس به سراغ محل اصلی نزاع با خامنه ای در این زمینه رفت و از "اصول ثابت" (آموزش علمی و عقلایی، نظم، قانون گرایی، فرهنگ کار و تلاش، دلبستگی به قدرتمند شدن و ثروتمند شدن کشور، و...) تمامی اشکال توسعه یافتگی و پیشرفت سخن گفت و افزود:

"بسیاری از اصول رشد توسعه و پیشرفت، اصولی ثابت است؛ از همان راهی که ژاپن پیشرفت کرده، از همان راه هم آلمان و کره جنوبی و کشور آمریکایی و اروپایی پیشرفت کرده اند... باید از اصول ثابت برای دست یافتن به توسعه استفاده کنیم".

روحانی افزود که ایران با برنامه و عمل و از طریق مشارکت در پروژه های بزرگ تکنولوژی جهانی توسعه می یابد، نه "گفتار درمانی". فرهنگ ملی نیازمند بازآفرینی است و از طریق "مومیایی کردن"

حفظ نخواهد شد. مخالفان با هرگونه تحول فرهنگی مخالف بوده و به گونه ای عمل می کنند که گویی باید فرهنگ را مومیایی کرد.

نهم: جهنم کردن دنیای مردم برای بهشت نسیه

فقیهان- از جمله آیت الله خمینی و آیت الله خامنه ای- برای حکومت وظایف اخلاقی قائلند. منتها، اولاً: به پلورالیسم اخلاقی و سبک های متفاوت زندگی اعتقاد ندارند. ثانیاً: احکام شریعت را با اخلاق اشتباه گرفته و آنها را از طریق حکومت به اجرا گذاشته اند. آنان این را تکلیف الهی خود می دانند تا مردم را به سعادت دنیوی و اخروی برسانند.

منتقدان همیشه گفته اند که وظیفه حکومت نیست که به زور مردم را وارد بهشت کند. و در تعبیری رادیکال تر، نمی توان دنیای مردم را جهنم کرد تا شاید آنان را به بهشت اعزام کرد.

آیت الله خامنه ای در 93/2/23 به ایراد منتقدان پاسخ **گفت** :

"گاهی شنیده می شود کسانی در گوشه و کنار وقتی صحبت از هدایت و راهنمایی و بیان حقایق دینی و مانند اینها می شود، می گویند آقا، مگر ما موظفیم مردم را به بهشت برسانیم؟ خب بله؛ بله، همین است. فرق حاکم اسلامی با حاکم دیگر در همین است: حاکم اسلامی می خواهد کاری کند که مردم به بهشت برسند؛ به سعادت حقیقی و اخروی و عقبائی برسند؛ [لذا] راهها را باید هموار کند. اینجا بحث زور و فشار و تحمیل نیست؛ بحث کمک کردن است. فطرت انسانها متمایل به سعادت است، ما باید راه را باز کنیم؛ ما باید کار را تسهیل کنیم برای مردم تا بتوانند خودشان را به بهشت برسانند؛ این وظیفه ای ما است، این کاری است که امیرالمؤمنین بار آن را بر دوش خود گرفته است و احساس وظیفه می کند که مردم را به بهشت برساند".

حسن روحانی در 93/3/3 به این سخنان واکنش نشان داد و **گفت** :

"نباید مردم را بیهوده و بدون جهت نگران کرد و باید بگذاریم مردم راحت باشند. اینقدر در زندگی مردم مداخله نکنید، ولو به خاطر دلسوزی؛ بگذاریم مردم خودشان راه بهشت را انتخاب کنند، نمی توان با زور و شلاق مردم را به بهشت برد. پیامبر شلاق در دست نداشت، پیامبر بشیر و نذیر بود و ما نیز باید بشیر و نذیر باشیم".

این سخنان روحانی جنجالی عظیمی در ایران به راه انداخت. ائمه جمعه، اعضای مجلس خبرگان رهبری، دادستان کل کشور، و... همگی با تندترین عبارات رئیس جمهور را مورد حمله قرار دادند. امام جمعه مشهد و عضو مجلس خبرگان رهبری در پاسخ **گفت**: "شلاق که سهل است با همه قدرت جلوی کسانی که مانع بهشت رفتن مردم شوند خواهیم ایستاد". آیت الله مصباح یزدی- عضو مجلس خبرگان رهبری و لیدر افراطی ترین محافظه کاران- به حسن روحانی **گفت**: "تو دینت را از کجا یاد گرفته ای؟ از فیضیه یا از انگلستان؟". عضو دیگر مجلس خبرگان رهبری و امام جمعه تهران به حسن روحانی **گفت**: "شما با اظهارات خود جاده جهنم را برای کسی صاف نکنید". آیت الله مکارم شیرازی- یکی از مراجع تقلید-

خطاب به حسن روحانی **گفت**: "با دست خودمان درهای جهنم را به روی مردم باز نکنیم". دادستان کل کشور که یکی از سرکوب گران اصلی 35 سال گذشته است، خطاب به روحانی **گفت**: "می‌گویند به بهشت و جهنم مردم کاری نداشته باشید! چنین تفکراتی به سخره گرفتن زحمات علما، مراجع و حوزه‌های علمیه است". صادق لاریجانی- رئیس قوه قضائیه- در 93/3/22 در پاسخ روحانی **گفت**: "این که می‌گویند با زور آدمها را به بهشت نبریم از همین جا ناشی می‌شود. این حرف بنیان لیبرالیت و مدرنیته دارد". لاریجانی سبک زندگی لیبرالی را رد کرده و برای حکومت وظایف هدایتی قائل است.

حسن روحانی نیز در 93/3/22 به مخالفان خود این گونه **پاسخ گفت**: "مگر چه گفته ایم که برخی برآشفته اند؟ ما فقط گفتیم که فرهنگ از آن مردم است و این مردم هستند که باید برای تعالی فرهنگ خود اقدام کنند. مگر قرار است فرهنگ را در کپسول کنیم و برای مردم نسخه بنویسیم تا آن را از داروخانه بخرند؟ گویی عده ای هنوز در دوران حجر می‌اندیشند و فکر می‌کنند".

سخن پایانی: از فرصت‌ها برای گذار به دموکراسی استفاده کنید

در نظام‌های غیر دموکراتیک، نزاع‌های "بالایی‌ها" (رهبران رژیم سیاسی) فضای تنفس برای "پائینی‌ها" (مردم و مخالفان) ایجاد می‌کند. مخالفان هوشمند می‌توانند از این فرصت استفاده کرده و مردم را در شبکه‌های اجتماعی فعال سازند. دموکراسی محصول توازن قوا میان دولت و جامعه مدنی است.

مهمترین وعده روحانی، کوچک کردن دولت و واگذاری امور به مردم در همه قلمروهاست. اگر این وعده عملی شود، اگر نهادهای مدنی و صنفی مستقل تشکیل شوند و مردم در آنها سازمان یابند، بدین ترتیب جامعه مدنی قدرتمند ساخته خواهد شد. به میزانی که جامعه مدنی سازمان یافته گسترش یابد و قدرتمند شود، دموکراسی خواهان می‌توانند از طریق بسیج اجتماعی وارد گفت و گوی با رژیم سیاسی شوند تا گذار مسالمت آمیز به دموکراسی صورت گیرد.

اگر مردم از طریق سازمان یابی و ساختن جامعه مدنی قدرتمند نشوند، امتیازی (یعنی مطالبات برحق) هم به دست نخواهند آورد. وقتی مردم قدرتمند نباشند، دلیلی ندارد که رهبر خودکامه- آیت الله خامنه‌ای- به آنها امتیاز دهد. خوب یا بد بودن شخص حسن روحانی و انگیزه‌های- خیرخواهانه یا قدرت طلبانه- او فاقد اهمیت است، مهم این است که در عین کمبود قدرت در برابر قدرت خامنه‌ای، کلیه نهادهای انتصابی و مجلس محافظه کار، همچنان شعارها و وعده‌های خود را- به عنوان شخص دوم کشور- تکرار می‌کند و می‌کوشد تا آنها را عملی کند. اما این خیال باطلی بیش نیست که منتقدان، روشنفکران، اصلاح طلبان، و... ساکت بنشینند تا حسن روحانی برایشان دموکراسی و حقوق بشر بیاورد. روحانی فاقد قدرتی است که چنین کند.

ایده‌های آزادی، دموکراسی، حقوق بشر، کثرت گرایی، برابری خواهی، و... به خوبی در جامعه ایران گسترش یافته‌اند، عنصر مفقوده، نهادهای مدنی و صنفی مستقل است که باید توسط مخالفان تشکیل شود.

دموکراسی خواهان نیز در نقد قدرت باید حملات خود را معطوف به شخصی (آیت الله خامنه ای) سازند که دارای بیشترین قدرت بوده، به هیچ کس پاسخگو نبوده، و نقدش در قلمرو عمومی و ساختار سیاسی ممنوع است. نه آن که همه حملات خود را معطوف طرف ضعیف تری کنند که در "انتخابات جمهوری اسلامی" توسط مردم انتخاب شده و دائماً مورد تهاجم تمام عیار محافظه کاران و پیروان رهبر خودکامه است.